گفت‌وگوی «فرهیختگان» با صابر خراسانی شاعر و شعرخوان

شعر رضوی گرفتار فرم است و از محتوا عقب مانده‌ایم

خودش می‌گوید: «هرچه دارم از امام رضا(ع) است، هر چیزی که من به آن رسیده‌ام – به خوبی این موضوع را لمس می‌کنم- از محبت حضرت رضا(ع) و دعای پدر و مادر است. این موارد خیلی برای من مؤثر بوده است. امام رضا(ع) اولین موردی که به من ثابت کرد، این بود که ایشان مبدل سیئات بالحسنات است و می‌تواند ما را تغییر دهد؛ فقط به این دلبستگی‌هایش ختم نمی‌شود، از شعرخوانی‌هایش می‌گوید، از اینکه شعرخوانی با آن نوعی که مدنظرش است، یکی از مسائل مهم و شاید یکی از نیازمندی‌های حال حاضر کشور است. از رویارویی با مردم و توقع‌هایی که دارند، می‌گوید. ناراحت است که هیچ کرسی‌ای برای شعرخوانی در کشور وجود ندارد. نمی‌شود در همین مقدمه کوتاه بگویم هر آنچه که در جلسه یک‌ساعته ما با صابر خراسانی گذاشت. شاعری که هر جا باشد، افتخار می‌کند بـه امام رضایی بودنـش. متن ذیل، گفت‌وگوی گـروه فرهنگی «فرهیختگان» با این شاعر است.

سیدمهدی موسوی‌تبار - عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

در چند سال اخیر شعرخوانی‌های شما و تصاویری که به کمک شعر آیینی در ذهن مردم شکل دادید، در محافل مختلفی بااستقبال مواجه شده است. اگر به گونه شعر آیینی نگاه کنیم، تصویرسازی نقش مهمی در انتقال معانی دارد و هر کسی هم‌به‌شکلی‌به‌آن معتقدست و می‌تواند ما را متحول کند. شما در اجرای شعرخوانی چگونه این تصاویر را به مستمع انتقال می‌دهید که جمع‌های متفاوت، آن را می‌پذیرند؟

اول عرض کنم بدون اغراق و هیچ تعارف یا شعاری؛ هر چیزی که من به آن رسیده‌ام- به‌خوبی این موضوع را لمس کرده‌ام- از محبت حضرت رضا(ع) و دعای پدر و مادر است. این موارد خیلی برای من مؤثر بوده است. امام رضا(ع) اولین موردی که به من ثابت کرد، این بود که ایشان مبدل سیئات بالحسنات است و می‌تواند ما را تغییر دهد؛ به هر شکلی که بخواهد. می‌تواند یک انسان گوجه‌باز، یک انسان معمولی، یک کاسب، یک انسان فرهیخته، دانشگاهی و... را تغییر دهد. واقعاً یک اکسیر است. یک نگاهش می‌تواند تغییر ایجاد کند و زمانی صابر خراسانی در این جایگاه نبود، الان هم گاهی اوقات که میکروفن را در دست می‌گیرم، با خود می‌گویم اینجا چه کار می‌کنی؟! من آن‌ترازی و نگاه‌ام را هم‌اهم حس می‌کنم؛ چون حضرت خواستند. این‌طور شد. البته این مسئولیت من را بیشتر می‌کند. مطلب بعدی این است که یکی از مردم انرژی می‌گیرم، یعنی با مردم زندگی می‌کنم و دغدغه‌هایی آنها را درمورد خود حس می‌کنم و برایم ملموس است و آن زندگی‌ام است. همین که بعضی اوقات کسی به من می‌گوید: «سه سال، پنج سال ۱۰ سال با... مشهد نرفته‌ام، دلم برای حرم تنگ شده است. من یک لحظه خود را در حرم امام‌رضا(ع) احساس می‌کنم، برایم خیلی لذت‌بخش است و من باید سمت شعرها ببینم که چه کسی واقعاً اگر برخوانم درخصوص شعرخوانی بگویم و درجواب شما باید بگویم بله، شعر دارای تصویر است. یکی از صنایع شعر، تصویرسازی است ولی این تصویر زمانی که داخل کتاب می‌آید، در خیابان، مغازه، فروشگاه، خانه و... هر کسی که می‌خواهد آن را مطالعه کند، شاید به آن درونمایه و ذوق شاعر نتواند پی ببرد، مخصوصاً در این زمان که به‌زعم من از فضای شعر و شعرخوانی دور شده‌ایم. یادی هم از گذشته بکنم، قدیمی‌ها می‌گفتند سر سفره شب یلدا، حافظ و فردوسی خوانده می‌شده، حتی مادربزرگ‌ها بلد بودند و برای بچه‌هایشان شعر می‌خواندند. منظور این است که ادبیات در وجود ما ریشه داردولی از آن دور شده‌ایم و علت آن می‌تواند کار نکردن در این زمینه باشد. آن تصویری که توسط شاعر وارد شعر می‌شود، اگر بخواهیم نسبیت پیدا کند و دیده بشود، باید در قرائت و اجرا انجام بشود.**

مادر کشـور دارای هیچ کرسـی‌ای برای شعرخوانی نیسـتیم. من به‌عنوان کسـی که شـعرخوانی می‌کند و از سـال ۸۴ این کار را انجام می‌دهم- به لطف حضرت رضا(ع) سال‌هاست که این کار را انجام می‌دهم- احسـاس می‌کنم ما دارای کرسـی نیسـتیم. یعنی دغدغه شعرخوانی، ارتباط با مخاطب و رسانه‌ی مفاهیم و تصاویر اشعار- چه‌قضای آیینی و چه‌قضای غیرآیینـی- خیلی کم دارید. شعر را می‌خواندوقتی شاعر شعر خودش را می‌خواند، این خیلی با شعرخوانی متفاوت است. مثل اینکه در استودیو یک آهنگساز یک ملودی را برای یک ترانه می‌سازد، برای خواننده آن را اجرا کرده و می‌خواند تا خواننده پشت میکروفن بتواند آن را اجرا کند. یعنی یک پس‌زمینه‌ای آن می‌دهد و خواننده روی آن خلا مدوی نوع صدا می‌گذارد و با تغییراتی که صورت می‌گیرد، این کار را انجام می‌دهد. درواقع آن را نمی‌توان خواننده دانست، بیشتر می‌توان گفت آهنگساز است و خیلی این با کار خواننده متفاوت است، او می‌تواند مفاهیم را به ما انتقال بدهد. من فکر می‌کنم شعرخوانی یک هنر است. درخصوص خودم هم فکر می‌کنم هنوز به آن نرسیده‌ام. هنر امروزی است. به‌زعم من، هر خلاقی که در هر جایی از جامعه وجود دارد، هنرمندی می‌تواند آن را پرورش دهد؛ خلاقاتصادی، اخلاقی، فرهنگی و... به‌طور کل آدم فرهنگی را می‌توان علمدار یک جامعه دانست. در جامعه خودمان هم این قابل مشاهده است، مثلاً می‌بینید سلبریتی در خصوص مطلبی نظری می‌دهد و جامعه هم دنباله‌رو آن می‌شود، این به لحاظ تاثیرگذاری اتفاق می‌افتد. ما این تاثیرگذاری را می‌توانیم در مسیر شعر اهل‌بیت(ع) انجام بدهیم که کلام نور است و کاملاً مسیر روشن، درست و مستقیم را به ما نشان می‌دهد. صحبت من این است که صابر خراسانی می‌تواند با شعرخوانی دغدغه اقتصادی مردم را حداقل از لحاظ ذهنی درست کرده و آنها را آرام کند. همه دغدغه‌هایی که ما در بیرامون شعر داریم، این شکاف‌ها و خلأها را می‌توان با شعرخوانی پر کرد. هرچه مشکلات بیشتر می‌شود، کار ما هم سخت‌تر می‌شود.

یعنی شما می‌فرمایید با خواندن شعر آیینی خلأها پر می‌شود، اگر از فاز شعری تغییر کند و بشود فاز اجتماعی- چه اتفاقی می‌افتد؟

من اعتقادم این اسـت که شـعر اجتماعی زیرشاخه شعر آیینی اسـت. وارد حرم امام رضا(ع) که می‌شوید، در نوشته‌ای آورده شده: «ترازوی کسـی از همه سنگین‌تر است که خوش‌اخلاق‌تر باشد. یعنی اخلاق زیرمجموعه شعر آیینی است. اجتماع زیرمجموعه شعر آیینی است. احترام به پدر و مادر زیرمجموعه شعر آیینی است. خانواده زیرمجموعه شعر آیینی است. آیین یعنی چی؟ آیین ما چه می‌گوید؟ امیرالمومنین(ع) می‌فرماید دروغ نگویید، حق بنیمان رانگه دارید، این شعر آیینی است. مال یکدیگر را نخورید، این شعر آیینی است. رحم کنید حتی به دشمنان؛ این آیینی است، این کلیت شعر آیینی است. ما الان چند سالی است که به این فضا قدم گذاشته و کلیپ‌سازی را شروع کرده‌ایم. مثلاً درخصوص مادر شعر گفته شده، کلیپ ساخته و پخش شده است؛ این شعر آیینی است. درخصوص فقر شعر ساخته‌ایم، به صورت کلیپ درآمده و پخش شده؛ این هم شعر آیینی اسـت. چون این دغدغه اهل‌بیت(ع) ماسـت. وجود اهل‌بیت(ع)، آمدن اهل‌بیت(ع) برای خوب زندگی کردن ماسـت. پس همه اینها می‌تواند زیرمجموعه‌های شعر آیینی باشد و می‌شود درخصوص همه آنها فعالیت کرد و باید این کار صورت بگیرد. اگر امروز سیدالشهدا بود، دغدغه ایشان چه بود؟ دغدغه ایشان حتماً و مطمئناً فرزند من، فرزند شما، فرزند همسایه، بازاری محله و... مسئلـه این موارد بود. همان‌طور که در دوران خودشان هم این موارد دغدغه ایشان بوده است.

دو تعریف کردید که پیش از این کمتر در این خصوص شنیده بودیم. یعنی شعر آیینی را عام‌تر از شعر مناسبتی تعریف کرده‌اید. با این تعاریف به عنوان مثال شاید بسیاری از غزل‌های حافظ، شعرهای سعدی و شاعران گذشته را می‌توان جزو شعر آیینی دانست. پس یک مرزبندی درخصوص شعر آیینی به وجود می‌آید.

بله. این مرزبندی را می‌توان آورد. نظر من این است که شعرخوان باید مجموعه‌ای از شعر و منبر و مبنر یعنی سخنران و خواننده داشته باشد. یعنی مجموعه‌ای از اینها را داشته باشد. اسم آن شعرخوانی نیسـت. درحقیقت اسمی هنوز برای آن پیدا نکرده‌ایم. من بایـد شاعر زمانم باشم، باید دغدغه‌مند باشم تا شاعر خوب اهل‌بیت(ع) هم باشم. من همیشـه این را گفته‌ام اگر ما شاخت کرسـی نیسـت به جامعه نداشته باشیم، نمی‌توانیم کار فرهنگی انجام بدهیم. من نمی‌دانم مثلاً این دوست من که تیپش با من متفاوت اسـت، دغدغه او چیسـت، زندگی را چه رنگی می‌بیند. بنابراین می‌آیم نسـخه خودم را برای جامعه می‌نویسـم و اینجا کار خراب می‌شـود. ما در بارانی از اطلاعات رسانه‌ای قرار گرفته‌ایم؛ دشـمن، دوسـت، معاند. شماوقتـی امروز به پدرمن، به چه‌خواهر، دوسـت و... خوراک‌ندهی، خودش برای خودش خوراک تهیه می‌کند. ما آرایش ماشـین‌بکسـری کشوهاسـت، لباس پوشـیدن ماشـین‌بکسـی‌کسـری از کشوهاسـت ولی ادعایمان بر تمدن ایرانی اسـت. آیین یعنی چی؟ آیین ما چه می‌گوید؟ امیرالمومنین(ع) می‌فرماید دروغ نگویید، حق بنیمان رانگه دارید، این شعر آیینی است. مال یکدیگر را نخورید، این شعر آیینی است. رحم کنید حتی به دشمنان؛ این آیینی است، این کلیت شعر آیینی است. ما الان چند سالی است که به این فضا قدم گذاشته و کلیپ‌سازی را شروع کرده‌ایم. مثلاً درخصوص مادر شعر گفته شده، کلیپ ساخته و پخش شده است؛ این شعر آیینی است. درخصوص فقر شعر ساخته‌ایم، به صورت کلیپ درآمده و پخش شده؛ این هم شعر آیینی اسـت. چون این دغدغه اهل‌بیت(ع) ماسـت. وجود اهل‌بیت(ع)، آمدن اهل‌بیت(ع) برای خوب زندگی کردن ماسـت. پس همه اینها می‌تواند زیرمجموعه‌های شعر آیینی باشد و می‌شود درخصوص همه آنها فعالیت کرد و باید این کار صورت بگیرد. اگر امروز سیدالشهدا بود، دغدغه ایشان چه بود؟ دغدغه ایشان حتماً و مطمئناً فرزند من، فرزند شما، فرزند همسایه، بازاری محله و... مسئلـه این موارد بود. همان‌طور که در دوران خودشان هم این موارد دغدغه ایشان بوده است.

به کمک شعر آیینی در ذهن مردم شکل دادید. در محافل مختلفی بااستقبال مواجه شده است. اگر به گونه شعر آیینی نگاه کنیم، تصویرسازی نقش مهمی در انتقال معانی دارد و هر کسی هم‌به‌شکلی‌به‌آن معتقدست و می‌تواند ما را متحول کند. شما در اجرای شعرخوانی چگونه این تصاویر را به مستمع انتقال می‌دهید که جمع‌های متفاوت، آن را می‌پذیرند؟

اول عرض کنم بدون اغراق و هیچ تعارف یا شعاری؛ هر چیزی که من به آن رسیده‌ام- به‌خوبی این موضوع را لمس کرده‌ام- از محبت حضرت رضا(ع) و دعای پدر و مادر است. این موارد خیلی برای من مؤثر بوده است. امام رضا(ع) اولین موردی که به من ثابت کرد، این بود که ایشان مبدل سیئات بالحسنات است و می‌تواند ما را تغییر دهد؛ به هر شکلی که بخواهد. می‌تواند یک انسان گوجه‌بازی، یک انسان معمولی، یک کاسب، یک انسان فرهیخته، دانشگاهی و... را تغییر دهد. واقعاً یک اکسیر است. یک نگاهش می‌تواند تغییر ایجاد کند و زمانی صابر خراسانی در این جایگاه نبود، الان هم گاهی اوقات که میکروفن را در دست می‌گیرم، با خود می‌گویم اینجا چه کار می‌کنی؟! من آن‌ترازی و نگاه‌ام را هم‌اهم حس می‌کنم؛ چون حضرت خواستند. این‌طور شد. البته این مسـئولیت من را بیشتر می‌کند. مطلب بعدی این است که یکی از مردم انرژی می‌گیرم، یعنی با مردم زندگی می‌کنم. همین که بعضی اوقات کسی به من می‌گوید: «سه سال، پنج سال ۱۰ سال با... مشهد نرفته‌ام، دلم برای حرم تنگ شده است. من یک لحظه خود را در حرم امام‌رضا(ع) احساس می‌کنم، برایم خیلی لذت‌بخش است و من باید سمت شعرها ببینم که چه کسی واقعاً اگر برخوانم درخصوص شعرخوانی بگویم و درجواب شما باید بگویم بله، شعر دارای تصویر است. یکی از صنایع شعر، تصویرسازی است ولی این تصویر زمانی که داخل کتاب می‌آید، در خیابان، مغازه، فروشگاه، خانه و... هر کسی که می‌خواهد آن را مطالعه کند، شاید به آن درونمایه و ذوق شاعر نتواند پی ببرد، مخصوصاً در این زمان که به‌زعم من از فضای شعر و شعرخوانی دور شده‌ایم. یادی هم از گذشته بکنم، قدیمی‌ها می‌گفتند سر سفره شب یلدا، حافظ و فردوسی خوانده می‌شده، حتی مادربزرگ‌ها بلد بودند و برای بچه‌هایشان شعر می‌خواندند. منظور این اسـت که ادبیات در وجود ما ریشـه دارد ولی از آن دور شده‌ایم و علت آن می‌تواند کار نکردن در این زمینه باشد. آن تصویری که توسط شاعر وارد شعر می‌شود، اگر بخواهیم نسبیت پیدا کند و دیده بشود، باید در قرائت و اجرا انجام بشود.**

مادر کشـور دارای هیچ کرسـی‌ای برای شعرخوانی نیسـتیم. من به‌عنوان کسـی که شـعرخوانی می‌کند و از سـال ۸۴ این کار را انجام می‌دهم- به لطف حضرت رضا(ع) سال‌هاست که این کار را انجام می‌دهم- احسـاس می‌کنم ما دارای کرسـی نیسـتیم. یعنی دغدغه شعرخوانی، ارتباط با مخاطب و رسانه‌ی مفاهیم و تصاویر اشعار- چه‌قضای آیینی و چه‌قضای غیرآیینـی- خیلی کم دارید. شعر را می‌خواندوقتی شاعر شعر خودش را می‌خواند، این خیلی با شعرخوانی متفاوت است. مثل اینکه در استودیو یک آهنگساز یک ملودی را برای یک ترانه می‌سازد، برای خواننده آن را اجرا کرده و می‌خواند تا خواننده پشت میکروفن بتواند آن را اجرا کند. یعنی یک پس‌زمینه‌ای آن می‌دهد و خواننده روی آن خلا مدوی نوع صدا می‌گذارد و با تغییراتی که صورت می‌گیرد، این کار را انجام می‌دهد. درواقع آن را نمی‌توان خواننده دانست، بیشتر می‌توان گفت آهنگساز است و خیلی این با کار خواننده متفاوت است. او می‌تواند مفاهیم را به ما انتقال بدهد. من فکر می‌کنم شعرخوانی یک هنر است. درخصوص خودم هم فکر می‌کنم هنوز به آن نرسیده‌ام. هنر امروزی است. به‌زعم من، هر خلاقی که در هر جایی از جامعه وجود دارد، هنرمندی می‌تواند آن را پرورش دهد؛ خلاقاتصادی، اخلاقی، فرهنگی و... به‌طور کل آدم فرهنگی را می‌توان علمدار یک جامعه دانست. در جامعه خودمان هم این قابل مشاهده است، مثلاً می‌بینید سلبریتی در خصوص مطلبی نظری می‌دهد و جامعه هم دنباله‌رو آن می‌شود، این به لحاظ تاثیرگذاری اتفاق می‌افتد. ما این تاثیرگذاری را می‌توانیم در مسیر شعر اهل‌بیت(ع) انجام بدهیم که کلام نور است و کاملاً مسیر روشن، درست و مستقیم را به ما نشان می‌دهد. صحبت من این است که صابر خراسانی می‌تواند با شعرخوانی دغدغه اقتصادی مردم را حداقل از لحاظ ذهنی درست کرده و آنها را آرام کند. همه دغدغه‌هایی که ما در بیرامون شعر داریم، این شکاف‌ها و خلأها را می‌توان با شعرخوانی پر کرد. هرچه مشکلات بیشتر می‌شود، کار ما هم سخت‌تر می‌شود.

یعنی شما می‌فرمایید با خواندن شعر آیینی خلأها پر می‌شود، اگر از فاز شعری تغییر کند و بشود فاز اجتماعی- چه اتفاقی می‌افتد؟

من اعتقادم این اسـت که شـعر اجتماعی زیرشاخه شعر آیینی اسـت. وارد حرم امام رضا(ع) که می‌شوید، در نوشته‌ای آورده شده: «ترازوی کسـی از همه سنگین‌تر است که خوش‌اخلاق‌تر باشد. یعنی اخلاق زیرمجموعه شعر آیینی است. اجتماع زیرمجموعه شعر آیینی است. احترام به پدر و مادر زیرمجموعه شعر آیینی است. خانواده زیرمجموعه شعر آیینی است. آیین یعنی چی؟ آیین ما چه می‌گوید؟ امیرالمومنین(ع) می‌فرماید دروغ نگویید، حق بنیمان رانگه دارید، این شعر آیینی است. مال یکدیگر را نخورید، این شعر آیینی است. رحم کنید حتی به دشمنان؛ این آیینی است، این کلیت شعر آیینی است. ما الان چند سالی است که به این فضا قدم گذاشته و کلیپ‌سازی را شروع کرده‌ایم. مثلاً درخصوص مادر شعر گفته شده، کلیپ ساخته و پخش شده است؛ این شعر آیینی است. درخصوص فقر شعر ساخته‌ایم، به صورت کلیپ درآمده و پخش شده؛ این هم شعر آیینی اسـت. چون این دغدغه اهل‌بیت(ع) ماسـت. وجود اهل‌بیت(ع)، آمدن اهل‌بیت(ع) برای خوب زندگی کردن ماسـت. پس همه اینها می‌تواند زیرمجموعه‌های شعر آیینی باشد و می‌شود درخصوص همه آنها فعالیت کرد و باید این کار صورت بگیرد. اگر امروز سیدالشهدا بود، دغدغه ایشان چه بود؟ دغدغه ایشان حتماً و مطمئناً فرزند من، فرزند شما، فرزند همسایه، بازاری محله و... مسئلـه این موارد بود. همان‌طور که در دوران خودشان هم این موارد دغدغه ایشان بوده است.

دو تعریف کردید که پیش از این کمتر در این خصوص شنیده بودیم. یعنی شعر آیینی را عام‌تر از شعر مناسبتی تعریف کرده‌اید. با این تعاریف به عنوان مثال شاید بسیاری از غزل‌های حافظ، شعرهای سعدی و شاعران گذشته را می‌توان جزو شعر آیینی دانست. پس یک مرزبندی درخصوص شعر آیینی به وجود می‌آید.

بله. این مرزبندی را می‌توان آورد. نظر من این است که شعرخوان باید مجموعه‌ای از شعر و منبر و مبنر یعنی سخنران و خواننده داشته باشد. یعنی مجموعه‌ای از اینها را داشته باشد. اسم آن شعرخوانی نیسـت. درحقیقت اسمی هنوز برای آن پیدا نکرده‌ایم. من باید شاعر زمانم باشم، باید دغدغه‌مند باشم تا شاعر خوب اهل‌بیت(ع) هم باشم. من همیشـه این را گفته‌ام اگر ما شاخت کرسـی نیسـت به جامعه نداشته باشیم، نمی‌توانیم کار فرهنگی انجام بدهیم. من نمی‌دانم مثلاً این دوست من که تیپش با من متفاوت اسـت، دغدغه او چیسـت، زندگی را چه رنگی می‌بیند. بنابراین می‌آیم نسـخه خودم را برای جامعه می‌نویسـم و اینجا کار خراب می‌شـود. ما در بارانی از اطلاعات رسانه‌ای قرار گرفته‌ایم؛ دشـمن، دوسـت، معاند. شماوقتـی امروز به پدرمن، به چه‌خواهر، دوسـت و... خوراک‌ندهی، خودش برای خودش خوراک تهیه می‌کند. ما آرایش ماشـین‌بکسـری کشوهاسـت، لباس پوشـیدن ماشـین‌بکسـی‌کسـری از کشوهاسـت ولی ادعایمان بر تمدن ایرانی اسـت. آیین یعنی چی؟ آیین ما چه می‌گوید؟ امیرالمومنین(ع) می‌فرماید دروغ نگویید، حق بنیمان رانگه دارید، این شعر آیینی است. مال یکدیگر را نخورید، این شعر آیینی است. رحم کنید حتی به دشمنان؛ این آیینی است، این کلیت شعر آیینی است. ما الان چند سالی است که به این فضا قدم گذاشته و کلیپ‌سازی را شروع کرده‌ایم. مثلاً درخصوص مادر شعر گفته شده، کلیپ ساخته و پخش شده است؛ این شعر آیینی است. درخصوص فقر شعر ساخته‌ایم، به صورت کلیپ درآمده و پخش شده؛ این هم شعر آیینی اسـت. چون این دغدغه اهل‌بیت(ع) ماسـت. وجود اهل‌بیت(ع)، آمدن اهل‌بیت(ع) برای خوب زندگی کردن ماسـت. پس همه اینها می‌تواند زیرمجموعه‌های شعر آیینی باشد و می‌شود درخصوص همه آنها فعالیت کرد و باید این کار صورت بگیرد. اگر امروز سیدالشهدا بود، دغدغه ایشان چه بود؟ دغدغه ایشان حتماً و مطمئناً فرزند من، فرزند شما، فرزند همسایه، بازاری محله و... مسئلـه این موارد بود. همان‌طور که در دوران خودشان هم این موارد دغدغه ایشان بوده است.

همه اینهایی که گفتید، مستلزم این است که آموزش را در این زمینه شروع کنیم، چرا شما شروع کننده این آموزش نمی‌شوید؟

صحبت من هم این است. ما حدود ۱۴۰۱۳ سال است که وارد عرصه‌ای شده‌ایم که غیرعیانی بود. یعنی فقط برای سازمان‌های مردم‌نهاد، همایش‌ها، وزارتخانه‌ها و... کار تهیه می‌کردیم. البته چندین سال است که وارد عرصه مذهبی شده‌ایم، یعنی هیات‌ها، مراسم و... که می‌توانند گام‌های جدیدی داشته باشد. که البته به قول معروف گیر کردیم. یعنی الان سال‌هاست به من می‌گویند کارگاه بگذار ولی من می‌گویم این کار من نیست. فرهنگ جامعه باید این دغدغه را داشـته باشـد. من الان فراخوان بزنم، هزار نفر هم ثبت‌نام کنند، کجا اینها را ببرم، کجا بخوانند، چی بخوانند، به چه صورتی کلاس‌ها را اجرا کنم؟ این پژوهش می‌خواهد، جامعه‌شناسی می‌خواهد، فکر می‌خواهد، روانشناسی می‌خواهد، زبان می‌خواهد، زبان بدن می‌خواهد. هزار تا حرف دارم. شعرخوانی واقعاً مقوله ساده‌ای نیست. این را برای آگاهی شما می‌گویم، مثلاً یک شعر را احتیاج است که ۱۰ بار بخوانید تا حفظ شود. من یک شعر را ۱۰۰ تا ۲۰۰ بار می‌خوانم، همیشه، نه یک بار، سال هاست. به لطف خدا و حضرت رضا(ع)، چرا؟ برای اینکه بتوانم، مثلاً می‌گویم ببایید اینجا من برای باران می‌خواهم شعر بخوانم، شما باید با جزر بیایید تا خیس بشوید. این یعنی تصویر کلماتی که در لحن باید به مخاطب انتقال پیدا کند. یا چه مقدار در آن موفق بوده‌ایم؟ تئاتر را باید شناخت، روانشناسی را باید شناخت. من سـالی یک بار تئاتر کار می‌کنم، من مجری گری کردم، پیشنهادم داشتم که بیا مجری بشو، بیا بازیگر بشو، بیا خواننده بشو، شما هیچ شعر تولیدت منتوج و زیاد هستیم؟ تولید آنچه گرفته تا ساخت نهاهنگ. قطعات دقایق حرم از مجید اخشابی(*)، کلاغ رسیده از محسن چاوشی، «سلام امام رضا(ع) از حامد محضرنیا، «امام رضا» و ۴ از حامد زمانی و عبدالرضا هلالی، «ولایت عشق» از حامد اصفهانی، و «میثه صامینیتی» از غلامرضا صنعتگر و قطعات مشهوری هستند که طی سالیان اخیر تهیه و ساخته شده‌اند. در این مجال نگاهی به مشهورترین ساخته‌ها در حوزه موسیقی با موضوع امام رضا(ع) داریم.

عکس: وحید سراجی/فرهیختگان

حالا درخصوص همین که به عنوان آفت می‌فرمایید، جایی کسی را دیدم که گفتند این صابر خراسانی است با رقم کمتر. البته من می‌دانم که شما رایگان برنامه اجرا کردید و هزینه‌ای هم نگرفتید، ولی بحث رقم‌ها هم خیلی موضوع مهمی است.

نه، خیلی هم این‌طور نیسـت. ما آدم رایگان نیسـتیم. من الان خدمت‌تان می‌گویم. من خواهم شـعار نباشد، حرف درست و راست باشد. ملاک‌ما چه‌باید باشد رایگان انجام می‌شـود که چیزی هم نیسـت. ما دو حوزه داریم؛ یکی حوزه هیئات، یادواره‌ها و... است، یکی هم حوزه کار ملی است. ما در فضای ملی، چارتی داریم که طبق آن چارت جلو می‌رویم. فضای هیات‌ها، یادواره‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و... که ببینید، کار ما هزینه‌بر هم هست. مثلاً این می‌ماند که همه دنیا با پهپاد کار رسانه‌ای انجام می‌دهند، ما می‌خواهیم با تفنگ چوبی برویم مبارزه، واقعاً نمی‌شود. یک کلیپ یک میلیارد هزینه دارد، من چطور باید یک میلیون تومان کلیپ بسازم و جلوی آن بایستم. اصلاً خندم‌دار است. درست است که صنعت دارد، درست است که هزینه می‌شود، ولی وقتی برای کار فرهنگی هزینه می‌شود، هزار جای دیگر هزینه نمی‌کنیم. ما خیلی از معضلات‌مان با مسـائل فرهنگی حل می‌شـود. من سه سال است که درخصوص شعر و مادر حس می‌خوانم، همین هست و نزدیک‌ترین فرزند به پدر و مادر، اگر همه بیایند در این یکجیح کار کنند، ما خیلی از مشکلات‌مان حل می‌شود. چون ما خیلی از مشکلات جوانان‌مان در دوری از پدر و مادر است. یا دوری مادر و پدر از جوانان. به همین راحتی؛ یعنی ما قبلاً اگر گرهی داشتیم به مادرمان می‌گفتیم مادر، بریای من دعا کن، گره من باز بشود. نوع برخورد، نوع ادبیات قدیمی ما با پدر و مادرمان چگونه بوده است. نوع ادبیات ما الان چگونه است؟! همین موارد ما را دچار چالش می‌کند، دچار انحراف می‌کند، این یک نوع کار فرهنگی است. من اعتقاد قلبی‌ام این است که مرزگرترین مراکزی که می‌توانیم در آن کار فرهنگی انجام بدهیم، هیات‌ها هستند. بااینکه کار من غیرهیاتی است؛ یعنی استیجی انجام می‌شود. ما این را پرورش بدهیم، بگذاریم استحکام پیدا کند. بگذاریم در ریشه خود مردم باشد، از هزینه خود مردم باشد، برای خود مردم باشد، ما فقط کمک کنیم. بهش خورک بدهیم، از لحاظ شعری، از لحاظ رسانه‌ای و...

آن دستمزد را چای دیگر خرج می‌کنید که نمی‌شود گفت؟

ما چای دیگر خرج نمی‌کنیم، ما یک دستمزدی داریم که می‌گیریم. اصلاً بحث گفتن نیسـت. چیز خسیسی نیسـت. میلیاردی نیسـت. ولی خوشـرعاً عرض کنم که در فضای عمومی که در حال کار کردن هسـتیم، مشخص است. شما وقتی یک خواننده را باید دعوت کنید، چه کار می‌کنید؟ یک قاری را برای خواهید دعوت کنید، چه کار می‌کنید؟ یک سخنران را می‌خواهید دعوت کنید، چه کار می‌کنید؟

در بخشی اشاره کردید به تصویری که در ذهن مخاطب درست می‌شود. معنایی در بخشی از تاریخ اتفاق افتاده است که ما می‌گوییم عاشورا و این معنا تداوم دارد. شاعر آن را تصویر و مکتوب می‌کند. تصویری ساخته می‌شود. شعرخوان هم بر آن را بازخوانی می‌کند. این تصویرسازی از طرق مختلف امکان‌پذیر است. بر منبر و مجلس و رسانه و شبکه و شکل دیگر ارائه می‌شود. مداح هم همین‌طور. قبل از شما مداح این کار را انجام داده است. چه فرایندی در شعرخوانی وجود دارد که متفاوت ارائه می‌شود و تداعی کننده تصویر دیگری برای مستمع است؟

عقیده من این اسـت شعری که مداح می‌خواند یا شعری که شعرخوان می‌خواند فرق دارد، یعنی قالبی‌ام همتفاوت است. حتی نوع گفتن آن و مخاطبش متفاوت است. یادداشته مردم جلو می‌رویم.

یکی از تفاوت‌هامی تواند این باشد که بگوییم مداح سحر بیش از یا روضه می‌گوید. شعرخوان داستان را می‌گوید که به شعر برسد و شعر را بخواند.

خب یک مورد این است. مورد دیگر هم این است که مداح در جایی که شعر می‌خوانیم

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

شما در آن برنامه آمد. از او خواهش کردم تا نسـخه‌ای از آن را برایم بفرستد. در آن برنامه که ظاهراً به صورت اینترنتی پخش می‌شد، بین مصاحبه گر و مصاحبه‌شونده درباره چگونگی مجوز گرفتن، از کرخه تا راین؛ مطالبی رد و بدل شد که بشوخی بیشتر شبیه بود و صحبت نداشت، این مجوز گرفتن را جور دیگری طرح و تفسیر می‌کردند. منوچهر محمدی در حضور هرمز صفایی (بن. عماد) مطرح کرد که «وقتی به کانن رفتیم، در آن بیمارستان که وارد شدیم، جانبازان شیمیایی بودند. در آنجا دو ساله برای ما مهم بود. اول اینکه رئیس بیمارستان گفت من در دفترم نشسته بودم که رابط سفارت ایران از فروداگاه بن با کانن به من زنگ زد که من ۵۴ جانباز شیمیایی آوردم. رئیس بیمارستان گفت من تنها کاری که توانستم بکنم این بود که مهم‌ترین سرسل خودم گفتم هر بیماری را که می‌توانید، ترخیص کنید و این ۵۴ جانباز شیمیایی را به بیمارستان آوردم و از لحظه‌ای که آمدند، تا دو ماه از بیمارستان بیرون نرفتم. حاملش این شد که زنم از من طلاق گرفت و بچه‌هایم را هم از من بیاندند. البته این مدیر بیمارستان ایرانی بود. (نکته مهم دوم این بود که) وقتی رفتیم آنجا، حتی کما از بخش جانبازان عفونی شیمیایی سه روز بیرون نیامد، آن هم در شرایطی که وقتی هر خواستیم به داخل بخش برویم، بوی عفونت ما را آزار می‌داد، اما حاتمی کیا سه روز آنجا بود و بیرون نیامد. بنابراین، اگر حس و حالی در «از کرخه تا راین» وجود دارد، تنها از نظر هنری و احساسی، به خاطر آن است که حاتمی کیا که جوهری با جانبازان شیمیایی گرفته بود و آن را به‌خوبی منتقل کرد.

۹ نگاه

روایتی جدید از تولید و اکران پرحاشیه «از کرخه تا راین»

حاتمی کیا فیلم ضدجنگ ساخته بود؟

فصلی اسـت که علی دهکردی از روی دوره مراسـم تشییع امام(ره) را می‌بیند. آن فصل در نسـخه‌ای که دیده، نبود. پس از مشاهده فیلم به این برادر ارجمند گفتم: «فیلم‌فوق‌العاده‌ای اسـت. یک‌روضه‌ورثیه‌جدی‌برای دفاع‌مقدس ارائه داشـتید، با شخص وزیر در این مورد پیگیری می‌کنم.» ابراهیم حاتمی کیا به‌عنوان بچه حرب‌الهی و متدین مهم‌اش می‌شود. مهم این بود که سر هنرپیشه زن چادر بکشند و فیلم فمینیسـتی ساخته‌اند، را به‌عنوان فیلمی که زن چادر مشکی در آن ساخته، در حلق‌ش کشند و بعد یک فیلم بچه مسلمانی و دفاع‌مقدسی مثل «از کرخه تا راین» حذف شود. به‌افراد برای رفتن در جلسه ابوالقاسم حاتمی‌کیا، به وزیر ارزیش قائل داشـتند، به ملاقات ایشان فرصت‌وصحبت کردیم که این فیلم این طوری است. بعد یک جلسـه هم با علیرضا بهشتی، برادر سیدمحمد بهشتی گذاشتیم که عضو هیات انتخاب جشـنواره بود و محافل اصلی فیلم به‌حساب می‌آمد.

من گفتند فیلم «ضدجنگ» است. دقیقاً باید بنیست وابنکه می‌گویم من از (محمد) «فیلم‌فوق‌العاده‌ای که کمیته‌ای انقلاب‌اش به‌این دلیل است که سیدمحمد بهشتی غیرمستقیم به‌من گفت کمک کن این فیلم اکران شود. فخرالدین انوار، معاون سـینمایی ارشاد با عضـای کانون مرازبخش مصاحبه‌ای در برنامه‌ای با عنوان «۳۵» مطلع کرد و گفت تمام شما را داشتم و انگار که به یک بنست رسیده بودیم.» کریمخانی ادامه می‌دهد: «به‌قدری خوشم آوردکه خودم‌تم‌ی‌بی‌حس شده بود. به آرا گفتم «برو دو تا چای بیار تا بخوریم.» دو رکعت نماز هم خواندیم و به یکباره همه چیز عوض شد و روی برگشت و برای من هم «آمدم»... را پیدا کرد. اولش را اشـنیاه خواندم و گفتم «آمدم»، اما آقای عظیمی نژاد آن را یک نکره و گفت که باعث زیبایی کار می‌شود. اگر عنایت «آقا» نبود، کار من به جایی نمی‌رسید و اینها باعث لطف ایشان است.»

**«